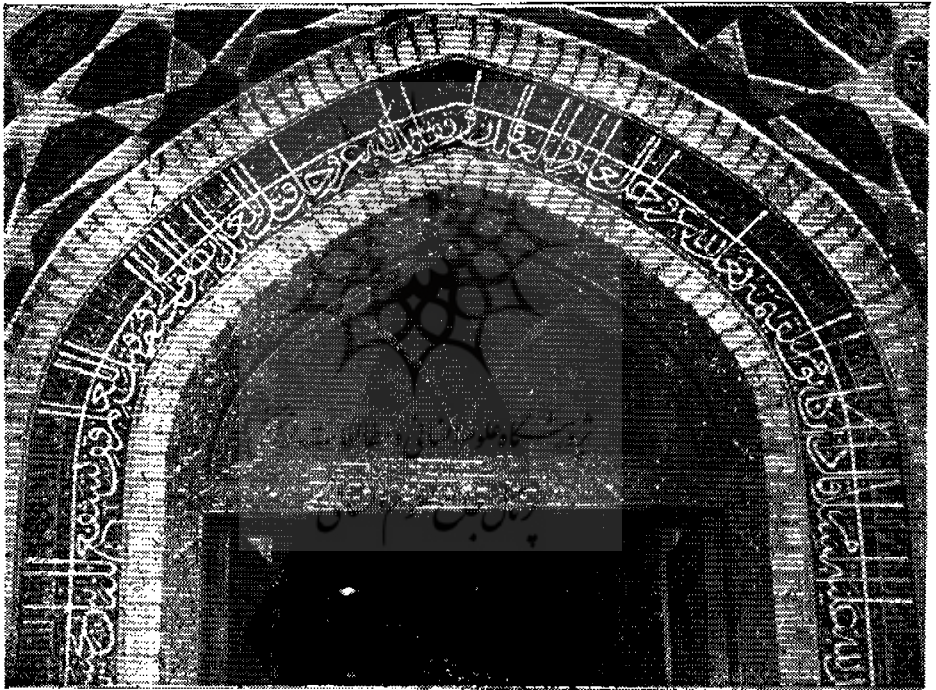


شیخ بهائی (۲)



نمای در ورودی مزار شیخ بهائی در صحن جدید رضوی (ع)

میلاذ شیخ

چنانکه اشاره شد پدر شیخ به پیشنهاد شیخ علی منشار در ایران اقامت اختیار کرد و در این هنگام شیخ که هنوز دوران کودکی میسر کرده در معیت پدر بوده در اینجا مناسب است بدانیم ،

هنگام ورود به ایران شیخ در چه سنی بوده تولد شیخ را در سال ۹۵۳ نوشته‌اند^(۱) و چنانکه اشاره کردیم پدر شیخ (شیخ حسین) از خواص شهید ثانی بوده (۲) و حتی درس‌های آنجناب ملازمت داشته. چنانکه تولد بهاء‌الدین نیز در بعلبک (۳) و در زمانیکه شهید عهده‌دار تدریس مدرسه نوریه آنشهر بوده رخ داده (۴) و چون شهید بسال ۹۶۶ مقتول گردید شیخ حسین قهرا از بعلبک رخت سفر بست بنابراین هنگامیکه والد شیخ ویرا به‌مراهی خود از بعلبک منتقل ساخته میبایست پس از سال مزبور (یعنی فوت شهید در ۹۶۶) و قهرا پس از ۱۳ سالگی شیخ بوده ولی صاحب لؤلؤة البحرین و ورود شیخ را به ایران در سن هفت سالگی نقل میکند و این سخن را گفته عالم آراء (در صغر با والد ماجده اش بولایت عجم آمده و بجد و جهد تمام حسب وراثت‌الآباء و الاعداد بتحصيل علوم و کسب کمالات مشغول گشته) تقویت میکند زیرا تعبیر به (صغر سن) میرساند که سن شیخ کمتر از ۱۳ سالگی (که نوعا تعبیر به اوان بلوغ میشود) بوده. و بنابراین باید بگوئیم که مادر شیخ به‌تنهایی در سال ۹۶۰ که هفت سال پس از ولادت شیخ است ویرا با خود به ایران آورده و پدر شیخ که در این هنگام در معیت شهید بوده پس از فوت استاد و مصاحب خود به‌زن و فرزند ملحق شده. و بعید نیست در این مدت شیخ و مادرش بر شیخ علی منشار که اصلا از مهاجرین جبل عامل بوده وارد شده باشند. و حتی از محبتی که شیخ منشار به شیخ حسین در معرفی وی نزد شاه طهماسب نمود. و نیز از ترویج یگانه دختر خود به شیخ میتوان حدس زد که شیخ از ناحیه مادر با منشار قرابت داشته باری شیخ در ده سالگی که پدرش در اصفهان و قزوین اقامت داشت به تکمیل تحصیلات پرداخت و از اساتید فن که به کثرت در این شهر (اصفهان و قزوین) میزیستند کسب کمال نمود و چون بعنفوان شباب رسیده بود با دختر شیخ علی منشار

۱ - امل الآمل روضات و غیره .

۲ - (روزگار جوانی را در صحبت شهید ثانی وزنده جاودانی شیخ زین‌الدین علیه الرحمه بسر کرده و بتصحیح حدیث و رجال و تحصیل مقدمات اجتهاد و کسب‌المال مشارک و مساهم یکدیگر بودند الخ) عالم آراء عباسی جلد یک ص ۱۵۵

۳ - فوآئد الرضویه . خاتمه مستدرک الوسائل و مسلما گفته ابوالمعالی طالوی که ولادت شیخ را در قزوین نوشته اشتباه است .

۴ - شهید ثانی در سال ۹۴۴ بحج مشرف و پس از برگشت سال ۹۴۶ بقصد زیارت اعتاب مقدسه متوجه عراق گردید و در همان سال مراجعت و سپس به بلاد روم سفر کرد در قسطنطنیه سه‌ماه مانده است و آنگاه به بعلبک متوطن و تدریس مدرسه نوریه آن‌شهر بوی مفروض گشت و آن‌بزرگوار در آنجا طبق مذاهب خمس تدریس میفرمود.

که در آثرمان شیخ الاسلام اصفهان و مقتدای انام بود (۱) مواصلت کرد دختر منحصر بفرد شیخ منشار که خود زنی فاضله و باکمال بود (۲) باز دواج شیخ درآمد و با احتمال قوی بهمراهی پدر بصوب مشهد رهسپار و پس از مدتی در خدمت پدر بهرات منتقل شده و ۸ سال نیز در آنجا اقامت داشته آنگاه که پدر بصوب حج بار سفر بست شیخ که نیز عازم همراهی وی بوده تا اصفهان و قزوین با پدر مصاحبت داشت ولی چون شاه طهماسب بارفتن شیخ موافقت ننمود و او را بجای پدر و بمناصب وی گماشت .

قهرآ میبایست شیخ دوباره بهرات رفته باشد و چون در همین سال شاه طهماسب بدیگر سرای منتقل شده دیگر ضرورتی برای اقامت شیخ درهرات وجود نداشت بظن قوی شیخ باصفهان یاقزوین منتقل شده و بانوگی که در وی سراغ داریم یکی از استوانه‌های علمی زمان و مشارالیه بالبنان آن سامان گردیده خاصه انتساب وی به شیخ حسین (صهریت و دامادی) شیخ علی منشار و سابقه شیخ الاسلامی هرات برای اشتهار وی کمک بسزائی داشته و چیزی نگذشته که شیخ منشار بدرود جهان گفته و مناصب روحانی وی بدامادش منتقل گردیده است .

تحصیلات شیخ

چنانکه اشاره شد شیخ هنگام ورود به ایران مقدمات علوم اسلامی (ادبیات و منطق و حدیث و فقه و اصول) را فرا گرفته بوده است زیرا با استعدادی که در شیخ سراغ داریم و با دانستن این موضوع که شیخ در آموزش علوم اسلامی احتیاج به تعلم زبان عربی (که معمولا کتب فنون بآن زبان نگارش میافته) نداشته پایای ادبیات عرب (صرف و نحو معانی و بیان و بدیع) فقه اصول و حدیث نیز می آموخته خاصه که این علوم در بلاد آنان رواجی بسزا داشته و چون پدرش در تمامت این علوم متبحر بوده و علاقه مفرطی به این پسر داشته در تعلیم آن به فرزند سعی بلیغ میفرمود و

۱ - در عالم آراء عباسی درباره وی چنین آمده وی عرب فاضل فقیه و شاگرد رشید مجتهد مغفور شیخ علی - عبدالعالی بوده در مسئله شرعیه اجوبه فتاوی فولش معتبر و موثوق و در انتظام امور شرعی و عرفی صاحب‌رای و سرآمد اقران بود و انوار توجه و التفات شاه جنت‌مکان بروجعات احوالش تافته بمنصب شیخ الاسلامی و وکالت حلالیات دارالسلطنه اصفهان که معظم ممالک و بلاد و مشهوره آفاق است منصوب گشته و در آن هم کمال استقلال یافته در تنظیم معاملات دینی و دنیوی آن ملک و رفع تعدی ید بیضا مینمود (ج ۱ ص ۱۵۴) .

۲ - در فوائد الرضویه از ریاض العلماء نقل کرده که فرمود: (ما شنیدیم از بعضی معمرین ثقات که ایام حیات آن معظمه عالییه را درک کرده بودند میگفتند که آن مخدره در فقه و حدیث و مانند آنها درس میفرمود و طائفه نسوان بر او قرائت میکردند) .

از آن گاه که شیخ در خدمت پدر به ایران منتقل گردید از اساطین فن که در قزوین و اصفهان بکثرت وجود داشت استفاده میفرمود در عالم آراء آمده (۱) (خلف صدق مشارالیه (شیخ حسین) که گلشن سرای جهان از وجود شریفش زیب و بهاء داشت در صغر سن با والده ماجده اش به ولایت عجم آمده است بهجد و جهد تمام بر حسب وراثت الاباء و الاجداد به تحصیل علوم و کسب کمالات مشغول گشته در علم حدیث و تفسیر و عربیت و فقه و امثال آن از برکات انفاص پدر بزرگوار مرتبه کمال یافت و علم کمال و بعضی علوم معقول را از فیض صحبت مولانا عبدالله مدرس یزدی بدست آورده در فنون ریاضی نزد مولا علی مذهب و مولانا افضل قاینی مدرس سرکار فیض آثار و بعضی از اهل آن فن تلمذ نموده در علم طب و قانون دانی با بقرات زمان حکیم عمادالدین محمود که ذکر احوالش در جریده اطباء خواهد آمد طرح مباحثه انداخته بهره کامل از آن یافت. بالجمله اندک زمانی در علوم معقول و منقول آنجناب ترقیات روی داده در هر فن سرآمد فضلالی عصر شد و تصانیف معتبره در فنون علم از رشحات بحر دانش مطرح انظار علمای ذی اعتبار گردید (.....)

چنانکه میبینیم اسکندر بیگ منشی نیز استاد شیخ را در علوم عقلی ملا عبدالله یزدی دانسته اند این دانشمند که بیشتر شهرتش بواسطه حاشیه معروف وی بر تهذیب المنطق تفتازانی است و هم اکنون از کتب درسی حوزه های علمی میباشد از دانشمندان اوائل عصر صفوی استاد صاحب معالم و صاحب مدارک بوده که متقابلاً نزد آنان فقه و اصول می آموخته است .
فوت این دانشمند (بنقل محدث قمی در فوائد الرضویه) بسال ۹۸۱ در عراق واقع شده است (۲)

۱ - ج ۱ ص ۱۵۶ .

۲ - تاریخ فوت مشار بنظر نرسید ولی مسلماً پس از سال ۹۸۴ (که تاریخ فوت شیخ حسین و شاه طهماسب است) روی داده زیرا در همین سال است که شیخ بجای پدر مامور اشغال مناصب روحانی وی در هرات شد استاد نفیسی مینویسد: (ص ۳۲ احوال و آثار شیخ بهائی) مشار پس از ۱۰۰۶ است که اصفهان پایتخت شده. در جای دیگر صفحه ۴۵ گوید مشار از مقربان شاه طهماسب بوده و بهمین جهت شیخ الاسلام اصفهان شده ولی متاسفانه برای این سخن مدرک نشان نمیدهد ظاهراً درست نباشد. زیرا اولاً جلوس شاه طهماسب در ۹۸۴ یعنی بیست و دو سال قبل از پایتخت شدن اصفهان است. ثانیاً مشار در زمانی که شیخ الاسلام بوده پدر شیخ را بشاه طهماسب معرفی کرده و میدانیم که عزالدین حسین (پدر شیخ بهائی) اصلاً در این تاریخ (۱۰۰۶) زنده نبوده چنانکه، شاه طهماسب نیز مدتها قبل از این تاریخ درگذشته بود .

و چون تلمذش نزد دو دانشمند مزبور مسلمان در عراق بوده (۱) میبایست شیخ طی اسفار خود در آن دیار از وی استفاده کرده باشد یا وی بین سالهای ۹۶۶ (که هجرت شیخ به ایران است) تا ۹۸۱ (که سال فوت وی است به ایران مسافرت نموده باشد).

بعیداً احتمال می‌رود که وی قبل از مهاجرت شیخ به ایران به بلاد شام مسافرت و ضمن استفاده از دو استاد خود (صاحب مدارک و صاحب معالم) به تعلیم شیخ (که در این هنگام سنین کودکی را می‌پیموده) پرداخته باشد.

باری دیگر از کسانی که احتمال می‌رود شیخ در عقلیات از آنان استفاده کرده باشد خواهی افضل‌الدین محمد ترکه است که (در اردوی معلی بامر تدریس پرداخته در مدرس او جمعی تلامذه او به مباحثات و افادات او فیض یاب بودند و اخیراً منصب تدریس و خادمی روضه رضویه یافته در مشهد معلی بدان شغل شگرف پرداخت در سال ۹۹۱ از مطالعه صحیفه حیات دیده پوشیده بعالم بقاء پیوست (۲).

دیگر از کسانی که احتمال می‌رود که شیخ از خرمن دانش آنان خوشه چینی کرده باشند، شیخ علی منشار (که فاضل و فقیه و شاگرد مجتهد مغفور شیخ علی عبدالعالی بوده (۳) است که چنانکه میدانیم شیخ بدامادی وی سرافراز شده همچنین بطن قوی از شیخ لطف‌اله میسی (که از فضایی متبحر و فقه‌ها عصر بوده و از برکات صحبت مولانا عبدالله شوشتری و سایر علمای مشهد مقدس بهره کامل در علم فقه یافته و در زمره مدرسین سرکار فیض آثار انتظام یافته.... و مدتی در قزوین بدرس و افاده مشغول بوده و از آنجا بدار السلطنه اصفهان نقل نموده.... بامامت خلق و درس فقه و حدیث مشغول و استفاده کرده است. اینان اساتید رسمی شیخ اند که ذکر یافت. ولی طی اسفار عدیده خود از هر خرمن خوشه‌ای و از هر دانش توشه‌ای می‌گرفته. در عالم آراء آمده: (مدتها در عراق و عرب و شام و مصر و حجاز و بیت‌المقدس مینمود و در ایام سیاحت بسیاری از علماء و دانشمندان و اکابر صوفیه و ارباب سلوک و اهل الله و تجرد گزینان خدا آگاه رسیده از صحبت فیض بخش اینان بهره مند گردیده جامع کمالات صوری و معنوی گشت.

چنانکه صحیح بخاری را در بیت‌المقدس نزد محدث بزرگ آن دیار محمد بن مقدسی

۱ - زیرا این دو بزرگوار در عراق سکونت داشته‌اند.

۲ - عالم آراء ج ۱ ص ۲۵۵.

۳ - عالم آراء

